

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۰۹/۲۲

آیا برگزاری جشن میلاد پیغمبر اکرم بدعت و حرام است؟

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله

بحث ما در جلسات آخر هفته که اشاره ای به برخی شبهات وهابیت داریم، در رابطه با موضوع «صحابه» بود. عرض کردیم که اختلاف اساسی ما با اهل سنت عمدتاً بحث صحابه است و امروز هم وهابیت از همین بحث صحابه برای تحریک اهل سنت نسبت به شیعه و ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی سوءاستفاده می کنند.

مسئله «صحابه»، بهترین بهانه برای کشتن شیعه

بحث اهانت به صحابه بهترین بهانه ای برای کشتن شیعه در طول تاریخ بوده است؛ حتی در خود عربستان سعودی هم گاهی اوقات طلبه های ما بحث هایی با آمرین بالمنکر!! و ناهین عن المعروف!! در کنار بیت الله الحرام می کردند؛ زمانی که این افراد در جواب عاجز می ماندند، شرطه ها را صدا می کردند و می گفتند که این آقا دارد به صحابه توهین می کند!! در مدینه هم به همین صورت اقدام می کردند.

حاج آقای «طبسی» نقل می کردند و می گفتند: من در مسجد النبی نشسته بودم، دیدم یک بنده خدایی آمد و گفت بیا با هم بحث کنیم. من خیلی تمایل نشان ندادم ولی با اصرار او شروع به بحث کردیم.

ایشان در جواب عاجز ماند و افرادی که در کنار ما نشسته بودند، شروع به خندیدن کردند. ایشان عصبانی شد، بلند شد و رفت یک شرطه را آورد و گفت این شیخ به صحابه توهین می کند!

من به شرطه گفتم که ما نشسته بودیم، این شخص گفت بیا بحث کنیم و در بحث عاجز ماند، تمام این افرادی که در اینجا هستند همگی شاهدند. بسیاری از عرب‌هایی که آنجا بودند هم شهادت دادند که این شخص خود اصرار به بحث داشت، ولی در بحث عاجز ماند و اصلاً بحث توهین به صحابه مطرح نبوده است.

بنابراین همین قضیه، امروز بهانه‌ای برای زیر سؤال بردن شیعه و غلبه بر شیعه شده است.

اختلافات شدید علمای اهل سنت، در تعریف صحابه

ما در جلسه گذشته عرض کردیم که یکی از مشکلات اساسی میان ما و اهل سنت در رابطه با تعریف صحابه است؛ اصلاً صحابه به چه کسی می‌گویند؟!

آقایان اختلافات شدیدی در تعریف صحابه دارند. ما از «بخاری» نقل کردیم که می‌گوید: به مجرد اینکه شخصی پیغمبر اکرم را مشاهده کند، صحابه محسوب می‌شود. همچنین از «ابن کثیر»، «آمدی» و از «ابن حجر عسقلانی» نیز مطالبی در این باب نقل کردیم.

آخرین جمله ابن حجر این بود که گفت:

«وأصح ما وقفت عليه من ذلك [أن] الصحابي من لقي النبي مؤمناً به، ومات على الإسلام»

صحيح ترین تعریفی که من به آن رسیدم این است که صحابی کسی است که با پیغمبر اکرم ملاقات کرده باشد، به پیغمبر اکرم ایمان آورده باشد و به حالت اسلام از دنیا رفته باشد.

الإصابة في تمييز الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار النشر: دار الجيل - بيروت - ۱۴۱۲ - ۱۹۹۲، الطبعة: الأولى، تحقيق: علي محمد البجاوي، ج ۱، ص ۶،

الفصل الأول في تعريف الصحابي

این تعریف، در حقیقت حرفی است که آقایان محدثین می‌زنند. حال بحث اصولیین را مطرح می‌کنیم.

عزیزان اگر دقت کرده باشند، ما سال گذشته که صحبت‌های آقای «دکتر طیب» شیخ الأزهر را مطرح می‌کردیم؛ ایشان در تعریف صحابه مدام می‌گفت: "اصولیین اینطور گفتند، محدثین آنطور گفتند!!"

او در تمام بحث‌ها از اول تا آخر ماه رمضان زمانی که می‌خواست نسبت به صحابه اظهار نظر کند، اصولیین و محدثین را همانند صفا و مروه به هم ربط می‌داد. بنابراین ما خواستیم در اینجا بحث اصولیین هم مطرح شود که بعدها ببینیم این آقایان سر چه بی‌صاحبی را می‌تراشند!

محدثین از کسی که پیغمبر اکرم را ملاقات کرده باشد، ولو یک لحظه از ساعت هم او را دیده باشد، از او به صحابه تعبیر می‌کنند.

حالا «ابن حجر» می‌گوید: «مؤمنان به»؛ و قید مؤمن را برای صحابی بودن مطرح می‌کند! خوب قطعاً «مؤمنان به» باید در صحابه باشد، وگرنه کفار هم پیغمبر اکرم را دیدند. اینها که دیگر صحابی نیستند.

همچنین او می‌گوید: «ومات علی الإسلام»؛ کسی که مرتد شد و از اسلام بیرون رفت دیگر قطعاً مسلمان نیست و صحابی هم نیست! زمانی که شخصی مرتد شد صحابی بودن او باطل می‌شود، زیرا ارتداد اعمال را هبط می‌کند؛ نماز و روزه و حج و دیگر اعمال با ارتداد هبط می‌شود.

اگر کسی به حج رفته باشد و بعد از حج مرتد شود، نظر آقایان این است که باید دومرتبه به حج برود. همانطور، صحبت او هم باطل می‌شود. اگر بعد از اینکه به اسلام برگشت پیغمبر اکرم را ملاقات کند، صحابه محسوب می‌شود؛ وگرنه خیر!!

اگر این تعریف ملاک باشد، مقداری عرصه بر آقایان تنگ‌تر خواهد شد. این تعریف را تقریباً اکثریت آقایان اهل سنت قبول دارند. آقای «جاحظ» متوفای ۲۵۵ هجری، کسی است که از آقایان اصولی و کلامی اهل سنت است.

اولین کتاب کلامی علیه شیعه به نام «العثمانیة» را ایشان نوشته است که در آنجا منکر شجاعت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و بسیاری از فضایل دیگر حضرت شد!!

البته آقای «اسکافی» از علمای اهل سنت جواب دندان شکنی به او داد. همچنین «شیخ مفید» جواب ایشان را داد. کار به جایی رسید که خود این شخص در رد گفته‌های خود کتابی نوشت.

آقای «آمدی» متوفای ۶۳۰ هجری در تعریف صحابه می نویسد که صحابه کسی است که:

«طالت صحبته للنبي وأخذ عنه العلم»

الإحكام فى أصول الأحكام، المؤلف: على بن محمد الأمدى أبو الحسن، الناشر: دار الكتاب العربى -

بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۰۴، تحقيق: د. سيد الجميلى، ج ۲، ص ۱۰۴

در حقیقت ایشان در این تعریف دو شرط آورد؛ شرط اول این است که از پیغمبر روایت داشته باشد و شرط دوم اینکه صحبت او با پیغمبر هم طولانی باشد.

آقای «مازری» متوفای ۵۳۶ هجری که شخصی اصولی است، می‌گوید:

«إنما يريد بالصحابة الذين لازموه، ونصروه، واتبعوا النور الذى جاء به»

مراد از صحابه کسی است که ملازم پیغمبر بوده، او را یاری نموده و از ایشان پیروی کرده باشد.

«ولا يعنى بهم الذين رأوه اتفاقاً، أو لغرض ثم فارقوه»

نفائس الأصول فى شرح المحصول، المؤلف: شهاب الدين أحمد بن إدريس القرافى (ت ۶۸۴ هـ)،

المحقق: عادل أحمد عبد الموجود، على محمد معوض، الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز، الطبعة: الأولى،

۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۵ م، ج ۷، ص ۲۹۰۹

در این روایت ملازم پیغمبر اکرم بودن و یاری کردن پیغمبر اکرم بیان شده است. این شخص با این بیانش، در حقیقت تمام نظریات محدثین را رد می‌کند.

«ابو حامد غزالی « متوفای ۵۰۵ هجری است و چند کتاب اصولی دارند که یکی از این کتب «المستصفی فی علم الأصول» نام دارد. او می‌گوید:

«فإن قيل القرآن أثنى على الصحابة فمن الصحابة من عاصر رسول الله صلى الله عليه و سلم أو من لقيه مرة أو من صحبه ساعة أو من طالت صحبته»

سپس می‌گوید:

«وما حد طولها»

ما چکار کنیم و کدام مورد را از صحابه بشماریم؟

«قلنا الإسم لا يطلق إلا على من صحبه ثم يكفى للاسم من حيث الوضع الصحبة ولو ساعة»

سپس نظر خود را بیان می‌کند و می‌گوید:

«ولكن العرف يخص الاسم بمن كثرت صحبته»

صحابه کسی است که صحبتش با پیغمبر اکرم طولانی و زیاد باشد.

«ويعرف ذلك بالتواتر والنقل الصحيح وبقول الصحابي كثرت صحبتي»

المستصفی فی علم الأصول، المؤلف: محمد بن محمد الغزالی أبو حامد، الناشر: دار الكتب العلمية –

بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۳، تحقيق: محمد عبد السلام عبد الشافي، ج ۱، ص ۱۳۰، الباب الثالث فی

الجرح والتعديل

ایشان می گوید ما عرفا صحابه را اینطور می شناسیم، گرچه لغتا اصحاب پیغمبر چیزهایی می گویند که مورد قبول ما نیست.

خود «آمدی» از «مازری» نقل می کند و می گوید:

«أن هذا الاسم إنما يسمي به من طالت صحبتته للنبي صلى الله عليه وسلم وأخذ عنه العلم»

همچنین «أنس بن مالک» غلام رسول گرامی اسلام متوفای ۹۳ هجری و «سعید بن مصیب» متوفای ۹۴ هجری از تابعین و «خطیب بغدادی» متوفای ۴۶۳ هجری نقل می کند:

«أخبرني طلحة بن محمد بن سعيد بن المسيب عن أبيه قال قال سعيد بن المسيب يقول الصحابة لا

نعدهم الا من أقام مع رسول الله صلى الله عليه وسلم سنة أو سنتين»

این افراد در واقع نظریه «بخاری» و دیگران را کنار می زنند، در ادامه می گوید:

«وغزا معه غزوة أو غزوتين»

الكفاية في علم الرواية، المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي، الناشر: المكتبة العلمية -

المدينة المنورة، تحقيق: أبو عبدالله السورقي، إبراهيم حمدي المدني، ج ۱، ص ۵۰

او در این بیان می گوید: صحابه کسی است که یک سال یا دو سال در رکاب پیغمبر اکرم باشد، همچنین یک غزوه یا دو غزوه هم در رکاب پیغمبر اکرم جنگیده باشد. این در حالی است که «ابن حجر عسقلانی» این نظر را نقل می کند و رد می کند.

«ابن حجر عسقلانی» شخصی فقیه و اصولی است. حال اگر به او محدث بگوئیم، بعید است چنین تعبیری در مورد او اطلاق شود. ایشان می گوید:

«عن سعيد بن المسيب انه كان لا يعد في الصحابة إلا من أقام مع النبي صلى الله عليه و سلم سنة

فصاعدا أو غزا معه غزوة فصاعدا»

سپس می گوید:

«والعمل على خلاف هذا القول»

عمل اهل سنت برخلاف این هست.

«لأنهم اتفقوا على عد جمع جم في الصحابة لم يجتمعوا بالنبي صلى الله عليه و سلم الا في حجة الوداع»

اهل سنت اتفاق نظر دارند که ما تعدادی افراد را از اصحاب نبی می گوئیم و این افراد جز در حجة الوداع

با پیغمبر اکرم دیدار نداشتند.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی،

الناشر: دار المعرفة - بیروت، ۱۳۷۹، تحقیق: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، ج

۷، ص ۴

تعداد زیادی از یمن آمده بودند که این افراد پیغمبر اکرم را تا به حال ندیده بودند. این افراد پیغمبر اکرم را در

حجة الوداع دیدند و به کشور خودشان برگشتند. افراد زیادی از اطراف مکه و مدینه آمده بودند و پیغمبر اکرم را

تا به حال ندیده بودند و تنها در حجة الوداع دیدند. ابن حجر می گوید اجماع اهل سنت بر این است که تمام این

افراد از اصحاب رسول الله (صلى الله عليه و آله وسلم) هستند!!

همچنین بعد از فتح مکه قبایل متعددی از طائف می آمدند و با پیغمبر اکرم دیدار و بیعت می کردند و

برمی گشتند. یکی از این افراد «ابو عبیده ثقفی» پدر «مختار ثقفی» است. زمانی که او با پیغمبر اکرم دیدار

کرد، «مختار» هم در داخل این وفد بوده است.

بنا به رأی آقای «ابن حجر» و تمامی محدثین و غالب فقهای اهل سنت، «مختار» که افراد این همه در مورد او سروصدا و داد و بیداد راه انداختند، جزو اصحاب پیغمبر اکرم بوده است!!

آن‌ها در مورد «مختار» می‌گویند: "مختار فاسد و فاسق بوده است و ادعای نبوت می‌کرده است." به دلیل اینکه «مختار» به هر نیتی که داشت دودمان بنی امیه و قاتلین سیدالشهدا (علیه السلام) را به درک واصل کرد، در مورد او چنین حرفی می‌زنند.

حالا ما با نیت «مختار» کاری نداریم، اما عمل خارجی این افراد مورد تأیید ائمه طاهرین (علیهم السلام) بوده است. قطعاً این عمل خارجی ایشان مایه نجات ایشان خواهد شد.

هرگونه جشن میلاد گرفتن برای پیغمبر؛ بدعت و شرک است!!

شما ببینید در خود کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» در رابطه با «ابولهب» چه مطالبی بیان شده است. ایام، ایام میلاد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) است و عمدتاً وهابیت فتوا داده‌اند بر اینکه هرگونه تولد و میلاد گرفتن بدعت و شرک است!!

واقعاً آدم حیران می‌شود که این افراد چکار می‌کنند. «ابن تیمیه» در کتابی تحت عنوان «اقتضاء صراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم» می‌گوید:

«أن اتخاذا هذا الیوم عیداً محدث لا أصل له، فلم یکن فی السلف لا من أهل البیت ولا من غیرهم-من

اتخذ ذلك الیوم عیداً»

اتخاذ این روز به عنوان عید اصلاً هیچ ریشه دینی ندارد و هیچکدام از سلف و اهل بیت و دیگران میلاد

پیغمبر اکرم را جشن نگرفتند.

اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم، المؤلف: تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم
ابن تیمیة الحرانی (المتوفی: ۷۲۸ هـ)، المحقق: ناصر عبد الکریم العقل، الناشر: دار عالم الکتب،
بیروت، لبنان، الطبعة: السابعة، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۹ م، ج ۲، ص ۱۲۳

او می‌گوید: جشن میلاد یا از نصاری باقی مانده است و یا بعضی افراد به خاطر محبت پیغمبر اکرم این روز را
جشن می‌گیرند. خدا به خاطر محبت به این افراد پاداش می‌دهد، اما به خاطر بدعت پاداش نمی‌دهد!
همچنین «بن باز» مفتی اعظم سابق عربستان می‌گوید:

«لا يجوز الاحتفال بمولد الرسول صلى الله عليه وسلم ولا غيره؛ لأن ذلك من البدع المحدثه في الدين»

برگزاری جشن میلاد پیغمبر و دیگران جایز نیست زیرا این از بدعت‌هایی است که در دین ایجاد شده
است.

فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء ج ۳ ص ۱۸ فتاوی شماره ۲۷۴۷

این افراد تصور می‌کنند مسلمان همین چند وهابی پلیدی هستند که در عربستان دور هم جمع شدند. شما
ببینید در سراسر استان‌های سنی‌نشین کشور ما جشن میلاد رسول گرامی اسلام چندین برابر باشکوه‌تر از
جشن میلاد ۱۷ ربیع ما شیعیان است.

ما همین دیشب مراسم مسجد جامع سنندج را چندین بار در «شبکه جهانی ولایت» به صورت زنده پخش
کردیم. مسجد جامع سنندج سه برابر مسجد اعظم ما؛ بلکه بزرگ‌تر از آن است. این مسجد مملو از جمعیت بود
و طبقه دوم و سوم هم مملو از جمعیت بودند.

این جمعیت دیشب مشغول مولودی خوانی و طبل‌زنی بودند. این افراد مراسم رقص و پایکوبی هم دارند و این
مسئله را خلاف شرع هم نمی‌دانند. استان گلستان هم به همین صورت مراسم برگزار می‌کنند.

شاید ما امشب مراسم‌های استان بوشهر و بندر عباس و دیگر مناطق را پخش کنیم. ما حدود دوازده اکپ به استان‌های سنی نشین فرستادیم تا به کوری چشم وهابیت، ایام جشن میلاد رسول گرامی اسلام توسط اهل سنت را به صورت زنده از «شبکه جهانی ولایت» پخش کنیم.

«بن باز» معتقد است که مسلمانان چنین کاری نمی‌کنند؛ کاش می‌گفت وهابیت چنین کاری نمی‌کنند!! سپس می‌گوید:

«لأن ذلك من البدع المحدثه في الدين»

سپس می‌گوید:

«لأن الرسول لم يفعله ولا خلفاؤه الراشدون»

پیغمبر اکرم جشن میلاد نگرفتند و خلفای راشدین هم جشن میلاد نگرفتند، بنابراین این عمل بدعت است.

رسالة في حكم السحر والكهانة مع بعض الفتاوى المهمة، المؤلف: عبد العزيز بن عبد الله بن باز (المتوفى: ١٤٢٠ هـ)، ج ١، ص ٣٥، باب حكم الاحتفال بالموالد النبوية وغيرها

خلفای راشدین سوار هواپیما نمی‌شدند، شما غلط می‌کنید سوار هواپیما می‌شوید! خلفای راشدین و پیغمبر اکرم برای خطبه‌های نماز جمعه از بلندگو استفاده نمی‌کردند، شما چرا از بلندگو استفاده می‌کنید؟! آن‌ها برای رفتن به حج از ماشین استفاده نمی‌کردند!!

آیا قرار است که شما ملت اسلامی را به آن زمان برگردانید؟! در این صورت باید بسیاری از قضایا را به هم بزنید. آیا خلفای راشدین با یهود هم پیمان بودند که شما الآن با اسرائیل پیمان دوستی بستید؟!

آیا خلفای راشدین توپ و تانک و مسلسل و هواپیمای جنگی داشتند که شما دارید؟! باید شما بگوئید تمام این موارد بدعت است!

البته این افراد روز ملی عربستان را جشن می‌گیرند ولی آن بدعت نیست!! آغاز سال تحصیلی را جشن می‌گیرند که آن بدعت نیست!! میلاد «محمد بن عبدالوهاب» را جشن می‌گیرند و هیچ اشکالی ندارد!! سال آغاز حکومت اموی وهابی را جشن می‌گیرند. تمام این موارد اصلاً و ابداً بدعت نیست؛ اما اگر کسی برای پیغمبر اکرم جشن میلاد بگیرد، ادعا می‌کنند که پیغمبر اکرم چنین کاری نکرده است پس بدعت است!

پیغمبر اکرم در مدینه آمدند و حکومت اسلامی را تأسیس کردند؛ آیا برای تأسیس حکومت اسلامی جشن گرفتند که شما برای تأسیس حکومت نحس آل سعود جشن می‌گیرید؟! پیغمبر اکرم و خلفای راشدین روز ملی داشتند که شما دارید؟!

همچنین این افراد هفته‌ای به نام هفته «محمد بن عبدالوهاب» دارند که ما کاری با این مسائل نداریم.

مشاهده کنید در کتاب «صحیح مسلم» وارد شده است که از رسول گرامی اسلام سؤال می‌کنند ما می‌توانیم در روز دوشنبه روزه بگیریم؟ حضرت می‌فرمایند:

«ذَاكَ يَوْمٌ وُلِدْتُ فِيهِ»

این روز میلاد من است.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۲، ص ۸۱۹، ح ۱۱۶۲

در حقیقت این امر نیست، بلکه یک تقریر فوق امر است. همانند این است که یک زمانی بگویید: «یا ولدی صل»؛ یا بگویید: «ولدی یصلی»!! یعنی مسئله را مفروّق عنه می‌گیرد. اگر بچه نماز هم نمی‌خواند، با این تعبیر پدر، دیگر نماز را ترک نمی‌کند.

داستان عجیبی از رفاه ابولهب در جهنم!

مهم‌تر از همه این‌ها دقت کنید در رابطه با «ابولهب» چه روایتی بیان شده است. شک و شبهه‌ای نیست که در مورد «ابولهب» آیه نازل شده است:

(تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ)

بریده باد دو دست ابی لهب (مرگ بر او باد)،

سوره مسد (۱۱۱): آیه ۱

زمانی که «عبدالله» در سفر از دنیا رفت، برای قریش خیلی دردآور بود که مثلاً همسر زنی که حامله است از دنیا می‌رود. زمانی که این فرزند به دنیا می‌آید، سایه پدر بالای سرش نیست.

وارد شده است زمانی که به «ابولهب» گفتند حضرت آمنه (سلام الله علیها) فرزندی به دنیا آورده است، از میلاد پیغمبر اکرم خوشحال شد. کنیزی داشت به نام «ثویبه» که همان «أم سلمه» خودمان است، که او را آزاد کرد و فرستاد تا دایه پیغمبر اکرم باشد.

در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است که «ابولهب» را در خواب دیدند و از او پرسیدند: وضع تو در آن جهان به چه صورت است؟!

او جواب داد: من در آتش جهنم هستم، اما شب‌های دوشنبه خداوند عالم به خاطر اینکه در میلاد پیغمبر اکرم خوشحال شدم و کنیزم را آزاد کردم، برای من در آتش جهنم یک رفاهی قائل می‌شوند و شب‌های دوشنبه به من در جهنم آب خنکی می‌دهند!!

در کتاب «المواهب اللدنیة» اثر آقای «قسطلانی» وارد شده است:

«وقد رؤى أبو لهب بعد موته فى النوم فقيل له ما حالک؟ فقال: فى النار، إلا أنه خفف عني كل ليلة
اثنين، وأمص من بين أصبعي هاتين ماء»

در خواب ابولهب را دیدند و از او پرسیدند حالت چطور است؟ او گفت: من در آتش هستم، اما در روزهای دوشنبه خداوند عالم از سر انگشتان من آب جاری می‌کند و آب خنک می‌خورم.

«ذلک یاعتاقى لثویبة عندما بشرتنى بولادة النبى صلى الله عليه وسلم»

این به خاطر این است که من ثویبه را به خاطر بشارت دادن به ولایت نبی آزاد کردم.

رسول گرامی اسلام دوشنبه به دنیا آمدند، دوشنبه مبعوث شدند و دوشنبه هم از دنیا رفتند. سپس از «ابن جزری» نقل می‌کند که خیلی جالب است؛ او می‌گوید:

«فإذا كان هذا أبو لهب الكافر، الذى نزل القرآن بذمه»

وقتی ابولهب کافری که قرآن کریم در مذمت او نازل شده است،

«جوزى فى النار بفرحه ليلة مولد النبى - صلى الله عليه وسلم - به»

در آتش جهنم خداوند عالم به جهت خوشحالی از ولادت حضرت محمد برای او رفاه قائل می‌شود،

«فما حال المسلم الموحد من أمته - عليه السلام - الذي يسر بمولده، ويبذل ما تصل إليه قدرته في محبته صلى الله عليه وسلم»

با مسلمان موحدی که شب میلاد پیغمبر اکرم شادمان است و در راه محبت پیغمبر هزینه می‌کند چکار خواهد کرد؟!

بنابراین به دوستان و نزدیکان توصیه می‌کنم در شب میلاد رسول گرامی اسلام یا هفته میلاد پیغمبر اکرم برای خانواده خودشان، رفاه ویژه‌ای قائل شوند و به آن‌ها بگویند در ایام میلاد پیغمبر اکرم این کار را انجام داده‌ام؛ این اقدام از ذهن فرزند این خانواده پاک نمی‌شود.

سپس می‌گوید:

«لعمرى إنما يكون جزاؤه من الله الكريم أن يدخله بفضل العميم جنات النعيم»

قسم به جان خودم خداوند کریم با فضل عمیمش او را وارد جنات نعیم خواهد کرد.

المواهب اللدنية بالمنح المحمدية، المؤلف: أحمد بن محمد بن أبي بكر القسطلاني، (المتوفى: ٩٢٣ هـ)،

الناشر: المكتبة التوفيقية، القاهرة - مصر، ج ١، ص ٨٩، باب ذكر رضاعه

این تعابیر، تعابیر کمی نیست. امروزه مشاهده می‌کنیم که وهابیت پلید مطالبی را مطرح می‌کنند که واقعاً انسان حیران می‌شود.

در کتاب «السيرة الحلبية» اثر «حلبی» تعبیر زیبایی از «ابن جوزی» وارد شده است که اجازه بدهید آن را هم خدمت آقایان بیاورم.

«من خواصه أنه أمان في ذلك العام»

از ویژگی شب میلاد پیغمبر این است که هرکسی در شب میلاد پیغمبر اکرم شرکت کند، از قضا و قدر بد در طول یک سال بیمه است.

به عبارت دیگر شخص با شرکت در جشن میلاد پیغمبر اکرم خود را تا یک سال از حوادث بد بیمه می‌کند؛

«وبشرى عاجلة بنيل البغية والمرام»

نه تنها بیمه است، بلکه بشارتی برای قضای حوائج اوست.

السيرة الحلبية فى سيرة الأمين المأمون، على بن برهان الدين الحلبي، سنة الوفاة ١٠٤٤، الناشر دار

المعرفة، سنة النشر ١٤٠٠، مكان النشر بيروت، ج ١، ص ١٣٧، باب الأبيات

شاید بیش از ۵۰ تن از شخصیت‌های برجسته اهل سنت مسئله «احتفال بمولد النبی» را در کتب خودشان به طور مفصل مطرح کردند، تجلیل کردند و افراد را به شرکت و اطعام و صدقات و شیرینی و مولودی خوانی تشویق کرده‌اند.

ولی متأسفانه وهابیت پلید و فرزندان شوم بنی امیه، امروزه به بهانه‌های مختلف قداست شکنی می‌کنند. اگر بگویند که شما چرا ۱۳ رجب و نیمه شعبان را جشن می‌گیرید، می‌گوییم: این افراد با شیعه سر ناسازگاری دارند؛ اما میلاد النبی دیگر یک مسئله عام میان مسلمین است.

من ندیدم یک عالم اهل سنتی که در حوزه فقهی یا اصولی حرفی برای زدن داشته باشد، بیاید و بگوید میلاد النبی بدعت است!!

البته کسانی هم که از میلاد پیغمبر اکرم تعبیر به بدعت کرده‌اند، معتقدند که میلاد النبی بدعت حسنیه است؛ همانطوری که معتقدند «تراویح» بدعت حسنیه است!! این افراد معتقدند که جشن میلاد پیغمبر بدعت حسنیه است و کسی که در این بدعت شرکت کند، خداوند عالم به او پاداش خواهد داد.

شما ببینید زمانی که رسول گرامی اسلام به مدینه هجرت می‌کنند، تمام صحابه جشن می‌گیرند و اظهار سرور و شادمانی می‌کنند.

مهم‌تر از همه، بنی اسرائیل به حضرت عیسی می‌گویند: از خداوند بخواه برای ما مائده‌ای از آسمان بفرستد. خداوند عالم از این درخواست آنان به عید تعبیر می‌کند.

آیا نستجیر بالله ولادت رسول گرامی اسلام و بعثت رسول گرامی اسلام از یک مائده آسمانی که بنی اسرائیل درخواست می‌کنند، کمتر است؟!

اضافه بر اینکه رسول گرامی اسلام مردم را تشویق به روزه گرفتن در روز دوشنبه می‌کنند و می‌فرمایند: در این روز، روزه خوشحالی بگیرید؛ زیرا روز میلاد من است. مشخص است که این مسئله در میان صحابه سنت بوده است و صحابه به این مسئله عمل می‌کردند. صحابه روز دوشنبه را به خاطر اظهار شادمانی جهت میلاد رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) روزه می‌گرفتند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته